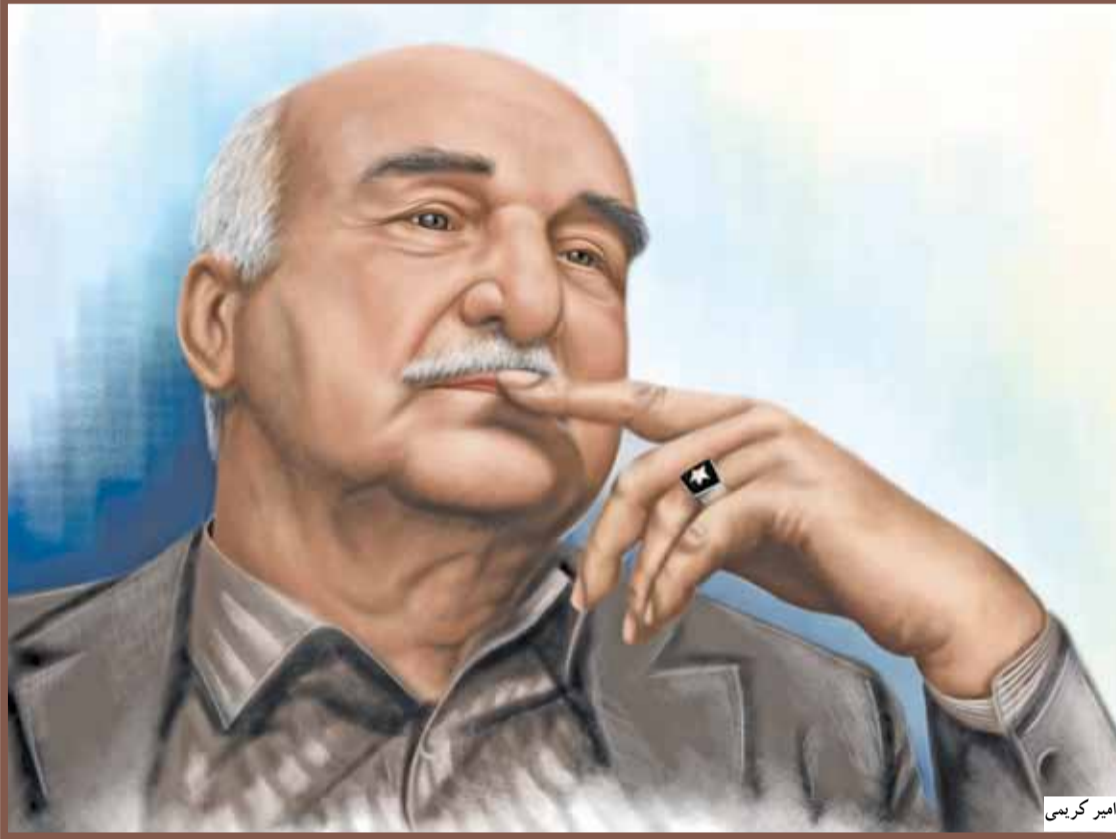


جامعه‌در‌حال‌فروپاشی اخلاقی است

اما شما سقوط نکنید

«بحرانی که جامعه ما با آن مواجه است، فروپاشی اخلاقی است اما اگر همه سقوط کردند شما پزشکان سقوط نکنید.» اگر جامعه پزشکی نوک حملات قرار می‌گیرد باید این را مثبت ارزیابی کنید. یک دلپش این است که مردم شما را به دید دیگری نگاه می‌کنند و توقع ندارند که در جامعه پزشکی نامالایماتی رخ دهد. مگر ما از این نامالایمات در سیستم قضایی نداریم اما هیچ صحبتی درموردش نمی‌شود چون جایگاه پزشک متفاوت است. متأسفانه ما کارهایی می‌کنیم که به حیثیت جامعه لطمه می‌خورد. برای آنکه در دولت یازدهم تحولاتی در جامعه پزشکی انجام شود، پیشنهاد کردم به‌جای آنکه همه مردم را مقابل جامعه پزشکی قرار بدهید، در یک گروه چند نفره همان تعداد



امیر کربیی

دارید یادتان می‌آید؟

بچه که بودم، ديفتري گرفتم. همین مرحوم دکتر میر علایی مرا معالجه کرد و خیلی به من محبت کرد و دلسوزانه پیگیر شرایطم بود، ولی چیز خاصی که برابم انگیزه شود نبود.

سپید: همیشه بچه درس خوانی بودید؟

تقریباً همیشه خوب درس می‌خواندم و بهترین خاطره کودکی و نوجوانی ام مربوط به دبیرستانم است. دبیرستان سعدی در اصفهان که مدرسه بسیار خوبی بود و تعداد زیادی پزشک و دانشجوی خوب تحویل جامعه داد.

سپید: پس بعد از دبیرستان دیگر دغدغه انتخاب رشته نداشتید؟

نه خیلی، چون به یقین می‌دانستم که می‌خواهم پزشکی بخوانم. آن موقع هر دانشگاه کنکور جداگانه داشت. من در کنکور پزشکی دانشگاه اصفهان و تهران شرکت کردم و در هر دو قبول شدم. خیلی مشورت کردم و در نهایت دانشگاه پزشکی تهران را انتخاب کردم. تا آن موقع دوره دکتری شش ساله بود ولی ما نخستین ورودی‌های دوره هفت‌ساله دکتری بودیم. البته در مورد کنکور هیچ وقت احساس نمی‌کردیم حق ضایع شود. حتی به ذهنمان خطور نمی‌کرد در کنکور تقلبی صورت گیرد. آن موقع ساختار کنکور این قدر محکم بود، کسی که قبول می‌شد می‌دانست که شایستگی قبولی داشته است و کسی که قبول نمی‌شد احساس نمی‌کرد که حق او ضایع شده است. هفت سال به یادماندنی دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران بودم. در آن زمان نظاهرات دانشجویی پیوسته برقرار بود. به اقتضای جوانی در تظاهرات شرکت می‌کردیم و دو دفعه خیلی کوتاه هم دستگیر شدم. البته در محدوده دانشگاه کسی به دانشجویان کاری نداشت و ما هم هیجانات جوانی را تخلیه می‌کردیم. بعد از پایان تحصیل پزشک عمومی شدم. باید طبق قانون سربازی می‌رفتم. با میل خودم سپاه بهداشت و یکی از دورافتاده‌ترین و محروم‌ترین نقاط ایران را انتخاب

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

کم از پزشکانی که باعث بدنامی پزشکان شده‌اند و همه نیز آنها را می‌شناسیم را صدا کنید و سرجایشان بنشانید. من خیلی آزرده‌خاطر شدم وقتی دیدم در هر بیمارستان یک بنر خفت‌آور آویزان کردند و شماره تلفن دادند و از همه دعوت کردند برای این خلاف‌ها با ما تماس بگیرید. این زشت‌ترین کار ممکن است. این کارها را می‌کنیم و نتیجه آن همین اتفاقات منفی است. بنده معتقدم به هیچ‌عنوان این بنرها درد اصلی را درمان نکرد و آن درد سرجایش هست متتها جامعه پزشکی آزرده‌خاطر شد. ما اخلاق اجتماعی و انسانی داریم. این موضوعی است که چندان در آن طرف دنیا مهم نیست.

در آن کشورها هیچ رابطه مالی بین بیمار و پزشک وجود ندارد و سازمان‌های بیمه‌گر این وظیفه را به عهده‌دارند. درحالی‌که ما چند سازمان بیمه‌گری عرضه و ناتوان را به اینجا آورده‌ایم که حقوق پزشک و بیمار را رعایت نمی‌کنند. یا باید این سازمان‌های بیمه‌گر را جمع کنیم که در این صورت هم مردم راحت‌ترند. هم پزشکان یا اینکه باید سامانش دهیم.» کرامت انسانی در ایران یک امر فراموش شده است. من به‌عنوان یک فرد کرامت اخلاقی در جامعه نمی‌بینم. به نظر من مهم‌ترین عوامل حفظ کرامت انسانی، شما پزشکان هستید. ما باید با بیماران بی‌نهایت صادق باشیم و چنانچه نارسایی علمی و انحراف اخلاقی در همکاران خود دیدیم به مراجع قانونی اطلاع دهیم. ■

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

نگاهی دیگر

من جراحم، یعنی خلاق، اندیشمند و عاشق



سپید: اگر به گذشته برگردید همچنان جراحی را انتخاب می‌کنید؟

بله حتماً. من بارها این سؤال را از خودم پرسیدم. می‌دانید واقعیتش این است که من تصویری از شغل و حرفه دیگری ندارم که اگر جراح نمی‌شدم مثلاً چه‌کاره می‌شدم. شاید در این صورت خلبانی را انتخاب می‌کردم. این قدر رضایت روحی دارم که اگر به من بگویند که تو فقط شش روز دیگر زنده‌ای و در این مدت می‌خواهی چه‌کار کنی من دقیقاً همین کارم را تکرار می‌کنم. رضایت عمیق و قلبی از این کار دارم. رشته من یکی از فاخرترین رشته‌هاست. یک‌جمله‌ای است که می‌گوید هرکسی که با دستش کار می‌کند خلاق است، هر کس با مغزش کار می‌کند اندیشمند است و هرکسی با قلبش کار می‌کند یک هنرمند عاشق است. جراح کسی است که با دست، مغز و قلبش همزمان کار می‌کند. جراحی فاخرترین هنر است، من عاشق این هنر بودم و هستم. نجات بخش جان انسان‌هاست و کم کردن درد و مریضی کم اتفاقی نیست. توفیق عظیمی است. همیشه با خودم فکر می‌کنم که خوب قضاوت یک شغل بسیار شریف و حساسی است و جایگاه اجتماعی بالایی هم دارد اما در نهایت یک قاضی مجبور است یک روزی حکم اعدام یک نفر را صادر کند ولی در پزشکی همیشه و همیشه بحث نجات جان انسان‌هاست. من خوشحالم که پزشکم.

سپید: فکر می‌کنید تأثیرگذارترین فرد زندگی‌تان چه کسی بوده است؟

اگر از دایره خانواده و پدر و مادر خارج شویم فکر می‌کنم معلم‌هایم خیلی تأثیر عمیقی در من داشتند. چه دبیرستان چه دانشگاه. چه زمانی که ایران بودم و چه وقتی خارج از کشور درس می‌خواندم. شخصیت‌های بلندقامتی که نقش زیادی داشتند.

من در دوران ابتدایی معلمی داشتم که سر کلاس انشا کتاب‌های مرحوم جمالزاده را برای ما می‌خواند. این درک و ذوق را کمتر کسی دارد و برای من خیلی شیرین بود. باور کنید تا همین امروز که اینجا هستم شاید کمتر کلاسی داشتم که این قدر لذت می‌بردم. لحظه‌شماری می‌کردم برای کلاس‌های انشا. ما با نثر و ساده‌نویسی از کلاس سوم دبستان آشنا شدیم. یادم هست همان دوران پدرم کتاب بینوایان و ویکتور هوگو را داشت و من بارها و بارها این کتاب را خواندم. دلیل این همه تکرار هم این بود که دوست داشتم هر شب کتاب بخوانم و کتاب در دسترس ما نبود... یکی از بزرگ‌ترین مشکلات من در دوران دبیرستان پیدا کردن کتاب بود. الان این همه کتاب هست و بچه‌ها رغبتی به کتاب خواندن ندارند. من عاشق خواندن بودم.

سپید: این همه عشق به کتاب خواندن لطمه‌ای به درس خواندن شما نمی‌زد؟ نه. من عادت داشتم که هر شب قبل از خواب کتاب بخوانم و این را به بچه‌ها هم منتقل کردم. زمانی که آمریکا بودیم سر ساعت ۹ همه باید می‌خوابیدیم. ولی بچه‌ها می‌توانستند تا زمانی که بخواهند توی رختخواب‌هایشان کتاب بخوانند. اینطوری نبود که بنشینیم و سریال تلویزیونی نگاه کنیم و به بچه‌ها بگوییم بروید بخوابید. همه با هم ساعت مشخص کتاب خواندن داشتیم.

سپید: خیلی‌ها معتقدند با وجود اینکه زمان کوتاهی در وزارت بودید ولی مدیریت قابل‌قبولی داشتید.

فکر می‌کنم هر کسی که می‌خواهد به یک مدیریت یا وزارتی برسد، علاوه بر کاردانی و آشنایی کامل با مسئولیت پذیرفته‌شده بی‌نیازی و استغنائی مادی و معنوی باید جزو شرایط انتخاب او باشد. بیشتر مسایلی که در مدیریت‌های ناموفق و حتی مخرب مشاهده می‌کنیم شاید به دلیل بده بستان و به فکر همه چیز غیر از صلاح مردم بودن است. هستند افرادی که خود را به آب و آتش می‌زنند و هر اقدامی می‌کنند تا به هر قیمت که شده روی صندلی مسئولیت بنشینند. تردید نیست که اینگونه افراد برای خدمت به مردم و مملکت مایه نمی‌گذارند بلکه بیشتر به فکر مصالح و منافع خود هستند و یکی از دلایلی که پیشرفت ما اساسی و کامل نیست کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌های مدیریتی است.

اگر مدیر بی‌نیاز و درستکار باشد به هیچ کس باج نمی‌دهد و می‌تواند با اعتمادبه‌نفس به وظایف خود عمل کند و بدون تعلق به میز و صندلی هر موقع بار مسئولیت از دوش او برداشته شد احساس راحتی و شادی کند و با رضایت کامل مسئولیت را به دیگران واگذارد.

سپید: در حال حاضر فکر می‌کنید بزرگ‌ترین چالش پیش روی جامعه پزشکی چیست؟

قانون شکنی و بی انضباطی و تأثیر عمیق بی‌اخلاقی در جامعه است... اگر قانون در جامعه حرمت نداشته باشد، هیچ‌کس حرمت نخواهد داشت. افراد زیادی هستند که در جامعه بی‌اخلاقی می‌کنند و به جایی نیز پاسخگو نیستند. اگر افرادی که بیت‌المال را قلع و قمع کردند، مجازات می‌شدند دیگر کسی در کشور به خیانت و بی‌اخلاقی تشویق نمی‌شد. نباید فراموش کنیم که همه ما پزشکان مدعی هستیم. این حرفه قداست دارد بنابراین تا حد ممکن خودمان باید این حرفه را پاک نگه داریم و اجازه ندهیم حرمت این جامعه در فضای عمومی از بین برود.

مجمع انجمن‌های پزشکی کشور به مسائل اخلاقی در جامعه پزشکی حساس است و قبل از رسانه‌ها به این مسائل رسیدگی می‌کند. من تصور نمی‌کنم که پزشک نیاز به نامگذاری یک روز داشته باشد. معمولاً نامگذاری روزها برای حرفه‌ها و گروه‌هایی است که جامعه آن را زیاد نمی‌شناسد و با این کار سعی می‌کنند که تلاش و توان تخصصی افراد آن حرفه را به اجتماع بشناسانند. به نظرم چیزی که لازم است، نامگذاری روزی به نام «اخلاق پزشکی» است. آنچه بسیار نیاز داریم – نه تنها در رشته پزشکی – اخلاق و انسانیت است؛ مؤلفه‌ای که جامعه از کمبود آن رنج می‌برد. دروغ‌گویی، اختلاس، انحراف و همه اینگونه مسایلی که جامعه ما به شدت گرفتار آن است و خسران عظیمی به همراه دارد، باید مسئولان کشور را نگران کند. ■

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...